

ای سایه سار مهربان، ای یادگار بی خزان  
مادر شکوهت روح من، ای شاه راه آسمان  
آه ای پدر ای تا ابد در خاطرم باقی تویی  
شهد شراب عشق را پیمانه و ساقی تویی  
ای نقش های مهربان، همسایگان بی خزان  
هر کس گرفته گوشه ای از وسعت این آسمان  
آن سو یکی نقش پدر، این سو معلم، کارگر  
راننده، دربان، باغبان، کاسب، مسافر، رفته گر  
شهر بهشت و هر کسی، در این بهشت بی خزان  
دارد نشان ساده ای از کوچه باغ آسمان  
نقش تو ای هم صحبت باغ و بهار صبح دم  
هر جا که باشی خادمی انگار هستی در حرم (۲)  
هر جا که باشی نقش تو مانند شور خاطره است  
جاری شو ای دریا که دل این جا عبور خاطره است  
شهر بهشت و شهر جان آینه ی هفت آسمان  
شعر شعور و عشق را با من بخوان با من بخوان